

- (۱) إنا سنشعر بالأرض إذا وقعت علينا على حيوان: قطعاً خواهم نرسيد وقتي جسمان حيواني را ببیند.
 (۲) يبلغ طوله سبعة و عشرون متراً و يعيش على بطنه بين الأشجار: که طولش گاهی به بیست و هفت متر می‌رسد و بر روی شکم بین درختان راه می‌رود.
 (۳) تاركاً آثاراً صيفة في الأرض بسبب وزنه الثقول: درحالی‌که بخاطر وزن سنگینش آثار عمیقی در زمین بجا می‌گذارد.
 (۴) الذي قد يصل إلى خمسة و ثلاثين طناً و اسمه دایناسور: که وزنش بیش از سی و پنج تن می‌باشد و اسمش دایناسور می‌باشد.

۳۵- « استاد موافقت کرد امتحان را برای دانش آموزان به مدت دو هفته به تأخیر اندازد »:

- (۱) وافق الأستاذ أن يؤجل الامتحان للطلاب لمدة أسبوعين.
 (۲) موافق الأستاذ أن يؤجل امتحان الطلاب بمدة أسبوعين.
 (۳) وافق الأستاذ يؤجل الامتحان للتلاميذ في مدة أسبوعين.
 (۴) موافق الأستاذ أن يؤجل امتحان التلاميذ بمدة أسبوعين.

■ ■ ■ اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة (۳۶ - ۴۲) بما يناسب النص:

إن أسباب إيجاد الملل في الإنسان متعددة. و من أهم الطرق للتخلص من هذا المرض فهي الاهتمام بالوقت و إدارته و معرفة الأولويات و ترتيبها حسب أهميتها. فمن هذا الطريق يفهم الإنسان أن هناك كثيراً من الأعمال التي يجب القيام بها فلا مجال للمللة و الغزلة! و هناك طريقة أساسية لمواجهة هذه الحالة، و هي الحوار مع النفس.

و من الطرق الأخرى التي تساعد على زوال المللة هو السعي وراء تجربة الأشياء الجديدة مثل تناول الغداء في أماكن جديدة و التغيير في كيفية الذهاب إلى مكان العمل و ... كذلك الاستماع إلى بعض الأصوات و النغمات كالقرآن الكريم و الأعية و الموسيقى الهادئة و أيضاً قراءة الكتب المحبوبة تُعد من الطرق الحسنة لمواجهة هذه المشكلة. و مخلص الكلام هو أن الاهتمام بوجودنا ينفي كل سوء عا!

۳۶- عین الصحیح:

- (۳۶) تناول الغداء في الطبيعة لا يسبب المللة أبداً! (۳) كحل أنواع الموسيقى مفيداً لحل مشكلة المللة!
 (۳۷) كل يوم غير طريق ذهابك إلى الكلية! (۴) إسع أن تتعلم الأشياء الجديدة!
 ۳۷- عین ما لا يؤثر المللة و إزالتها:

- (۱) السعي (۲) التكلم (۳) الخب (۴) التعلم
 ۳۸- عین ما لا يسبب زوال المللة:

- (۱) تنوع العادات (۲) ترك العادة (۳) تكثير العادة (۴) استمرار العادات
 ۳۹- ما نفهم من النص هو ...

- (۱) ﴿ فاقتلوا أنفسكم ﴾ (۲) ﴿ الله أعلم بما في أنفسهم ﴾
 (۳) ﴿ عليكم أنفسكم ﴾ (۴) ﴿ لقد استكبروا في أنفسهم ﴾

■ عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي (٤٠ - ٤٢)

٤٠ - « أفهم »:

- (١) فعل مضارع - ماضيه « أفهم » على وزن « أفعل » - فعل و فاعله « الإنسان »
- (٢) مضارع - للمفرد الغائب - حروفه أصلية كلها - معلوم - مع فاعله جملة فعلية
- (٣) فعل مضارع - ماضيه « فهم » و كل حروفه أصلية - فعل و فاعله « الإنسان »
- (٤) مضارع - للمفرد المذكر الغائب - معلوم - فعل و فاعله « الإنسان » و الجملة فعلية

٤١ - « ساعد »:

- (١) مضارع - له حرف واحد زائد - معلوم - فعل و مع فاعله جملة فعلية
- (٢) فعل مضارع - للغائبة - حروفه الأصلية « ساعد » و له حرف واحد زائد
- (٣) فعل مضارع - للمفرد المؤنث الغائب - مصدره « مساعدة » على وزن « مفاعلة »
- (٤) مضارع - للمفرد المذكر المخاطب - ماضيه « ساعد » على وزن « فاعل » - معلوم

٤٢ - « تخلص »:

- (١) اسم - مفرد مذكر - مصدر من وزن « تفعل » و فعله « خلص » على وزن « فاعل »
- (٢) اسم - مفرد مذكر - مصدر على وزن « تفعل » - حروفه الأصلية « خلص »
- (٣) مفرد مذكر - حروفه الأصلية « خلص » و له حرفان زائدان - معرف بأل
- (٤) مفرد مذكر - ماضيه « تخلص » على وزن « تفعل » و له حرفان زائدان

■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٤٣ - ٥٠)

٤٣ - عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (١) يوجد نوع من السمك في إفريقيا يستزر نفسه عند الجفاف في غلاف!
- (٢) هل تصدق أن ترى في يوم من الأيام أسماكاً تتساقط من السماء!
- (٣) اللهم إني أعوذ بك من نفس لا تشبع و من قلب لا يخشع!
- (٤) يدفع السنجاب بعض جوزات البلوط السليمة تحت الثراب!

٤٤ - عین الصحيح عن توضيح المفردات التالية:

- (١) عشية: نهاية الليل إذا كان الناس كلهم نائمين!
- (٢) عشية: نوع من العيش في حياة أجدادنا البدوية!
- (٣) عشاء: موعد من المواعيد التي نأكل الطعام فيه!
- (٤) عشاء: ما نأكله عند المساء بعد انتهاء الأعمال اليومية!

۳۰- « اجتمع مائة و خمسة و ثمانون عالماً في جلسة واحدة و بدؤوا يتحدثون عن أفصح الكلمات في قصائد هذا الشاعر! »:

- ۱) یکصد و هشتاد و پنج دانشمند در یک جلسه جمع شدند و شروع به سخن گفتن درباره فصیح‌ترین کلمات در قصائد این شاعر کردند!
 - ۲) صد و پنجاه و هشت دانشمند در یک جلسه جمع شدند و درباره فصاحت لغات در قصائد این شاعر شروع به بحث کردند!
 - ۳) صد و هشتاد و پنج فرهیخته در جلسهای جمع شدند تا درباره شیوایی الفاظ قصائد این شاعر به سخن گفتن بپردازند!
 - ۴) یکصد و پنجاه و هشت فرهیخته در جلسهای جمع شدند تا درباره شیواترین الفاظ در قصائد این شاعر به بحث بپردازند!
- ۳۱- « الغریب فی ظاهرة منظر السمك هو أن هذه الأسماك متعلقةً بعمياء علی بُعد مائتي كيلومتر من مكان سقوطها! »:

- ۱) پدیده باران ماهی شگفت‌انگیز است چه این ماهیها تعلق به آبهای دارند دویست کیلومتر دورتر از محل سقوطشان!
 - ۲) عجیب در پدیده باران ماهی این است که این ماهیها متعلق به آبهای هستند دویست کیلومتر دورتر از محل سقوط آنها!
 - ۳) در پدیده باران ماهی این عجیب است که آنها متعلق به آبهای هستند دویست کیلومتر دورتر از جایی که سقوط کرده‌اند!
 - ۴) این شگفتی در پدیده باران ماهی وجود دارد که اینها ماهیهای هستند که به فاصله دویست کیلومتر دورتر از محل سقوطشان متعلق بوده‌اند!
- ۳۲- « تحركت الجزائر إلى المزرعة بلونها الأحمر و الأصفر، و إطاراتها السوداء تدور بقوة، و هي تخرج حلقات من النخان الأزرق من فمها! »:
- ۱) تراکتور با رنگ قرمز و زردش در حالیکه چرخهای سیاهش با قدرت می‌چرخیدند بطرف یک مزرعه حرکت کرد، و در همان حال حلقه‌هایی از دود آبی از دهانش خارج می‌شد!
 - ۲) تراکتور با رنگ قرمز و زردش بطرف مزرعه حرکت کرد، در حالی که چرخهای سیاهش با قدرت می‌چرخید، و حلقه‌هایی از دود آبی را از دهانش خارج می‌کرد!
 - ۳) تراکتور با رنگ قرمز و زردش و با چرخهای سیاهی که قدرتمندانه می‌چرخید بطرف یک مزرعه حرکت کرده، در حالیکه حلقه‌هایی از دود آبی از دهانش خارج می‌شد!
 - ۴) تراکتور با رنگ قرمز و زردش و سیاهی چرخهایش بطرف مزرعه حرکت کرد، در حالیکه حلقه‌هایی از دود آبی از دهانش خارج می‌کرد!

۳۳- عین الصحیح:

- ۱) أمس ذکری الیوم و الغد خلّمه: دیروز خاطره امروز است و فردا رؤیای آن روز است!
- ۲) لا قيمة لعطائك إن لم یخرج من أعماق وجودك: عطای تو ارزش نخواهد داشت اگر از اعماق وجودت برنخیزد!
- ۳) إن قلب من یمتهزی بغيره یموت و یورث الغفلة: قلب کسی که دیگران را به سخره می‌گیرد مرده است و ایجاد غفلت کرده است!
- ۴) لما كنت أشکو للطیب من صداعی الشدید، هو کان یکتب الوصفة لی: هرگاه به پزشک از درد شدید سرم شکایت می‌کنم او برایم نسخه می‌نویسد!

■ ■ عَنِ الْأَنْسَابِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (٢٦ - ٣٥)

٢٦ - ﴿ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴾:

- ١) بدرستی گلا این امت شما امتی یگانه است و من خدای شما، پس عبادت کنید!
 - ٢) همانا این امت شماست، امتی یگانه و من پروردگار شما هستم، پس مرا بپرستید!
 - ٣) بی گمان این امت شما امتی واحد است و من پروردگار شما، پس مرا عبادت کنید!
 - ٤) قطعاً این امت شما است ~~گلا~~ امتی واحد است و من خدای شما می باشم، پس بپرستید!
- ٢٧ - « مَنْ يُعَاوَلِ الْقِيَامَ بِعَمَلٍ وَ يُفْشَلُ فِيهِ هُوَ بِالتَّكْوِيدِ الْفَضْلُ مَعْنَى لَا يَسْعَى أَنْ يَقُومَ بِعَمَلٍ سَعِيًّا »:
- ١) اگر کسی سعی به انجام دادن کاری کند و شکست بخورد، به یقین بهتر از کسی است که هرگز سعی نکرده به کاری اقدام کند!
 - ٢) هر کس برای انجام کاری سعی می کند و مغلوب می شود، قطعاً فایز تر از کسی است که در اقدام به کاری، اصلاً تلاش نمی کند!
 - ٣) کسی که برای اقدام به کاری تلاش می کند و در آن شکست می خورد، به یقین بهتر از کسی است که هرگز سعی نمی کند که به کاری اقدام کند!
 - ٤) هر کسی که برای اقدام به کاری تلاش کند و در آن مغلوب شود، قطعاً فاضل تر از کسی است که اصلاً سعی نمی کند تا به انجام کاری اقدام کند!

٢٨ - « مَا أَجْمَلُ أَنْ يَكُونَ هُنَاكَ أَحَدٌ يَفْكُرُ دَائِمًا فِيكَ بِحَسَنِ ظَنٍّ، فَإِذَا أَخْطَأْتَ يَغْفِرُكَ وَ إِنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ يَعْذِرُ مِنْكَ! »:

- ١) آنچه زیباتر است اینست که کسی باشد که همواره در مورد تو حسن نیت داشته باشد، هرگاه خطا کردی ببخشد و اگر به تو بدی کرد از تو عذر بخواهد!
- ٢) چیزی زیباتر از این نیست که کسی همیشه درباره تو با نیت نیک بیندیشد، و هنگام خطا کردنت تو را ببخشد و هرگاه بدی کرد از تو عذرخواهی کند!
- ٣) چه زیبا است که کسی را داشته باشی که دربارهات نیک بیندیشد، زمانی که خطا کرده ای تو را می بخشد و آنگاه که به تو بدی کند از تو معذرت می خواهد!
- ٤) چه زیبا است که کسی باشد که همیشه در مورد تو با گمان نیک اندیشه کند، پس اگر خطا کنی تو را می بخشد و اگر به تو بدی کرد از تو عذرخواهی می کند!

٢٩ - « هَذِهِ الْعَالَمَةُ مِنْ أَشْهُرِ مُسْتَشْرِقِي الْعَالَمِ فِي الرَّبِيعِ الْأَوَّلِ مِنَ الْقَرْنِ الْعِشْرِينَ، وَ قَدْ حَاوَلَتْ طُولَ عُمْرِهَا لِبِنَاءِ جَسْرِ بَيْنَ الْحَضَارَاتِ! »:

- ١) این دانشمندی بود از مشهورترین خاورشناسان عالم در ربع اول قرن بیستم، و به یقین طول عمر خود را برای ساختن پلی بین تمدنها صرف کرد!
- ٢) این خانم دانشمند نام آورترین خاورشناس جهان در ربع اول از قرن بیستم بوده است، و تمام عمرش را برای بنا کردن پلی بین تمدنها، تلاش کرد!
- ٣) این دانشمند از مشهورترین خاورشناسان جهان در ربع اول قرن بیستم است، و در طول عمر خود برای ساختن پلی بین تمدنها، تلاش کرده است!
- ٤) این زن دانشمند نام آورترین خاورشناس جهان در ربع اول از قرن بیستم بوده است، و در طول عمرش برای بنا کردن پلی بین تمدنها، قطعاً تلاش کرده است!

٤٥- عین الخطأ في المعادل:

- (١) اسمع و لا تُصنِّق: بشنو و باور مکن!
 - (٢) الكلام يجرّ الكلام: حرف، حرف مياره
 - (٣) التثبير نصف المعيشة: آنکه مدبّر است ثروتمند است!
 - (٤) فعل المرء يدلّ على أصله: از كوزه همان برون تراود که در اوست!
- ٤٦- عین فعلاً فيه الحروف الزائدة أكثر من الباقي:

- (١) تصفح التلميذ كتابه ليلة الامتحان لأنه قد قرأه من قبل!
 - (٢) تبدل عاملة التنظيف شرشف السرير الذي غير نظيف!
 - (٣) تبجل التلميذات يوم المعلم باستماع كلام معلّمتهن استماعاً جيّداً!
 - (٤) تبعّد النفس عن السيئات بالتمارين و التكرار و هو ليس أمراً سهلاً!
- ٤٧- عین ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (١) لا أحد أرحم بك من ربك!
 - (٢) من كان جاهلاً فهو أفقر الناس علماً!
 - (٣) ما أجمل الحياة إن كانت لها أهداف جميلة!
 - (٤) هذا أعلى الملابس التي اشتريتها حتى الآن!
- ٤٨- عین ما ليس فيه الشرط:

- (١) من حسن خلقه اكتسب نصف دينه!
 - (٢) من لم يتذكّر التجارب الماضية يكررها!
 - (٣) ما جمعنا من علم الناس إلى علمنا، ننتفع به!
 - (٤) ما أكلنا في السنة الماضية الفواكه التي غرسناها في حديقتنا!
- ٤٩- عین الصحيح عن « مبتسمة » حالاً:

- (١) ليتك في هذه السقرة العلمية الصعبة مبتسمة!
 - (٢) وقفت الشابة أمام الطالبات مبتسمة لبيان الدرس!
 - (٣) رأيت بنتاً مبتسمة تذهب إلى هنا و هناك بفرح!
 - (٤) كانت الطالبة مبتسمة لأنها مشهورة بحسن الخلق!
- ٥٠- عین المستثنى يختلف:

- (١) ما أعطانا مسؤول الاستقبال شيئاً إلا مفتاح الغرفة!
- (٢) لا يعتمد الإنسان المجتهد على أحد إلا على نفسه غالباً!
- (٣) لا يصل إلى الهدف في هذه الدنيا إلا من يحاول كثيراً!
- (٤) ما اشتريت من هذا المتجر بضاعة إلا سروالاً أسود اللون!